

آنچه در این شماره می‌خوانید:  
جای خالی‌ات با هیچ چیز پر نمی‌شود...  
آن سوی اغتشاش  
ایستگاه بعد  
...و



# تا قله تا سکو!

شماره نوزدهم  
کاری از دانشگاه شهید مطهری خواهران مشهد  
آذر ماه ۱۴۰۱





# سخن سردیر

و مادر همیشه به داد فرزندان می‌رسد.

آن زمان که مار خوش خطوخال دنیا بپیچد به دور فرزند

زهرا ی علی (ع)، چادر خاکی‌اش را بر روی شهر می‌کشد؛

شهر، نایی تازه می‌گیرد

نوای تسبیحات حضرت زهرا (س) بلند

و محبت مادر گمنام‌ها، چراغ راه فرزندان می‌شود.

روزی، می‌رسد پایان سرمای زمستان و خورشید محبت طلوع می‌کند؛

و به یقین

چنین رقم خواهد خورد آینده زمین:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ...

ضمن عرض تسلیت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها خدمت دانشجویان

عزیز و با آرزوی قبولی عزداری‌های شما

صفحاتی که اکنون مقابل شماست، حاصل زحمات یک ماهه گروه نشریه آوای مطهر است.

از تمام دانشجویانی که در تکمیل و پیشرفت مطالب نشریه یاریگر ما بودند، سپاسگزاریم.

امیدواریم مطالب این نشریه برای شما عزیزان مفید باشد و با نظرات و پیشنهادات خود، ما

را در پیشبرد هرچه بهتر نشریه، یاری کنید. با آرزوی سلامتی و سربلندی.



## تا قله؛ تا سکو

**مطهره احمدی** با ورود به خیابان انقلاب، گمان کردم پستی- بلندی‌ها تمام شده و به زودی به مقصد خواهیم رسید اما راه طولانی بود و من، خسته جان؛

خسته جان نه آن قدر که راه را ادامه ندهم؛ نه آن قدر که از سرما و یخبندان خیابان وحشت کنم. خسته جان از آن بودم که سال‌ها دویدم تا به این خیابان برسیم؛ جایی که احساس کردم می‌توان نفس تازه کرد...

صدای رعد و برق، نهیب تازه‌ای بر جانم زد اما من آمده بودم که بمانم؛ آنجا آغاز راه بود و شوق رسیدن، زانوانم را نیرویی تازه بخشید؛ بند کتونی‌ها را محکم بستم و آماده نبرد شدم؛ نبرد با تگرگ‌هایی که گلوله بار، هشت دقیقه ممتد بر جان من تاختند. آن هشت دقیقه‌ی سخت تمام شد؛ از من شجاعت مانده بود و خاطرات...

آن هشت دقیقه را دویدم و به دنبال مقصد، شتابان رفتم؛ بدون نگاهی به عقب یا بیم خمپاره‌ای که مرا از حرکت باز دارد..

حالا خیابان کمی آرام شده بود. شاید هم درد، مرا قدرتمند کرده بود. پیچ و خم‌ها کم نبود؛ گاهی مه همه جا را می‌گرفت و تشخیص پلیس و سارق را دشوار می‌کرد. اما تشخیص، ممکن بود؛ کافی بود مسیر نور ماه را دنبال کنم؛ ماهی که بازتابش، مه را مهار می‌کرد.

گاهی سیل بود، گاهی سرمای طاقت فرسا، اما هرچه که بود، من از آن قوی تر بودم.

صحبت هایش که به پایان رسید، شرم داشتم از نگاه مستقیم به چشمان نافذ آریایی‌اش. صدایش را صاف کرد. مقتدر و در عین حال دلسوزانه گفت: «وظیفه ات را انجام بده..»

وظیفه ام چه بود؟ من کجای خیابان ایستاده بودم؟

به سمت قفسه کتابخانه راه افتاد. کتابی را از میان آنها انتخاب کرد و مقابلم گرفت؛ کتاب ۱۴۰۱، فصل آذر، صفحه ۱۶:

شما باید کانون تزریق امید به بخش‌های دیگر باشید زیرا همچنانکه کشور در بخش‌های مختلف همچون علم و فناوری و سلامت در این سال‌ها پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای داشته است در سایر بخش‌ها نیز همه‌ی نابسامانی‌ها قابل رفع است.

«عمیق شدن در مسائل اصلی کشور و مماس شدن با آنها». وقتی با تمرکز بر روی یکی دو مسئله، درباره آنها فکر و تحقیق کنید نتایج این تحقیقات عمیق، برای دستگاه‌های مربوط قابل استفاده خواهد بود.

طبیعت دانشجو مطالبه‌گری است از مسئولان، کار جدی و واقعی مطالبه کنید و آنها را از کار نمایشی برحذر بدارید.

مطالبه‌گری باید با ادبیات منطقی، هوشمندانه و جداً بدور از دعوا و تند و تیزی باشد. مطالبه‌گری مستدل، مانع از این می‌شود که بعضی‌ها در شرایطی که تشکیلات مدیریتی کشور، انقلابی است درباره اهمیت نقش دانشجویان تشکیک کنند، چرا که نقش شما در این دوره بیشتر است.

پرهیز از برخورد تند و تیز به معنای سازشگری و مجیزگویی نیست و من هرگز از اینگونه توصیه‌ها به جوانان و دانشجویان نکرده و نخواهم کرد؛ بلکه مقصود از این توصیه، پرهیز از ادبیات مضر و طعنه‌آمیزی است که متأسفانه امروز در فضای مجازی نیز بسیار رایج شده است.

عرصه مطالبه‌گری دانشجویان را عرصه متنوعی از مسائل عدالت اقتصادی، فرهنگ و سبک زندگی است.

یکی دیگر از الزامات مطالبه‌گری صحیح این است که مبانی اعتقادی و ایمانی خود را با مطالعه و حضور در مجالس عالمان دین و اخلاق، مستحکم کنید. نتیجه مطالبه‌گری صحیح را تفکیک ضروری آرمان‌ها از عملکردهای ضعیف برخی مدیران بدانید. مطالبه‌گری شما به‌گونه‌ای باشد که هم در بیان صورت مسائل و هم در مقام ارائه راه‌حل‌ها، با دشمن مغرض، مخرج مشترک پیدا نکند.

در مطالبه‌گری‌ها مراقبت کنید دشمن نتواند از مطالبه‌ی به حق شما سوءاستفاده کند. هم در صورت‌بندی مسئله، هم در راه‌حلی که ارائه می‌دهید، سعی کنید با دشمن وجه مشترک پیدا نکنید.

چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نگشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود، از انسانیت، انسان دورتر می شود و مشکل تر می شود انسان خودش را برگرداند.

محفل، محفل معلم و دانشجوست؛ دو گروهی که اگر اصلاح بشوند، یک مملکت را اصلاح می کنند و اگر - خدای نخواست - در غیر این معنا باشند، کشورها به تباهی کشیده می شوند.

... در آغوش کشید مرا؛ غم داشت و توامان شاد بود؛ خسته جان بود و در عین حال قوی. حالا درست وسط خیابان ایستاده بودم؛ در آغوش ایران در آغوش وطن.

فلسفه، پرداختن به پرسش‌های بنیادین است و فیلسوف واقعی کسی است که می‌تواند این پرسش‌های بنیادین را متناسب با زمان و مکان خود هم طرح کند و هم بداند این پرسش‌های بنیادین در زمانه‌ی او ذیل چه مفاهیم و پرسش‌هایی طرح می‌شوند.

اما در باب اینکه پرسش بنیادین یا پرسش‌های بنیادین چه هستند، می‌دانیم که بخش اعظم تاریخ فلسفه پرسش در باب وجود است؛ اما واقعاً مراد از اینکه موضوع فلسفه وجود است، چیست؟ پاسخ به این پرسش هنگامی میسر است که بدانیم اساساً چرا انسان از وجود پرسش می‌کند، او چه گم‌شده‌ای دارد که راه رسیدن به آن را تفکر در وجود می‌داند؟ او چه نیازی دارد که پرسش وجود می‌تواند نیاز او را برطرف سازد؟ یا به عبارتی، پرسش از وجود او را به چه فایده و غایتی می‌رساند؟

نمی‌توان تردید کرد که انسان همواره از چیزی می‌پرسد که ربطی به او داشته باشد؛ یعنی پرسیدن و نپرسیدن از آن چیز برایش علی‌السویه نباشد. اساساً پرسش، هنگامی پرسش است که ربطی به انسان داشته باشد.

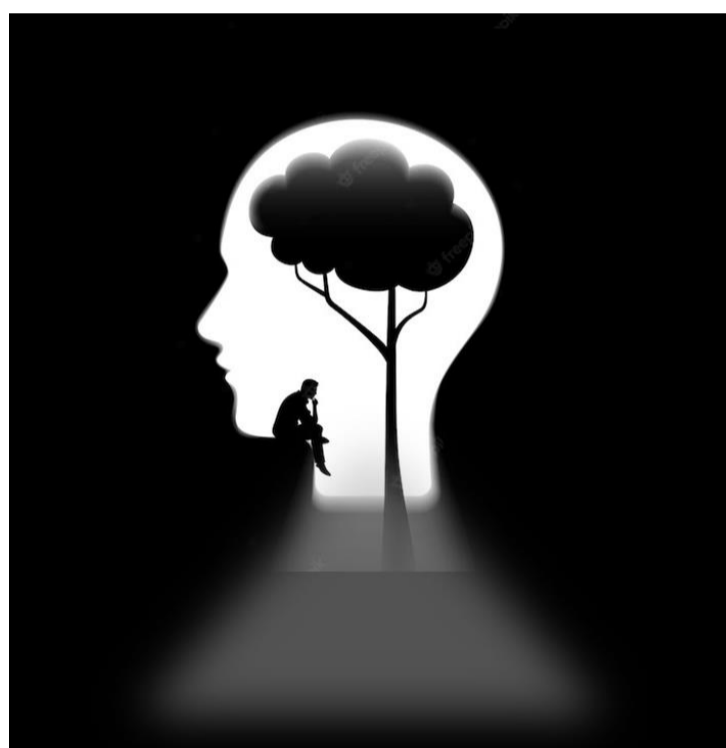
ولی آیا پرسش از وجود، پرسش مستقیم فیلسوفان است؟ یعنی ایشان رأساً و ابتدائاً پرسش از وجود می‌کنند؟ در تمام طول این پرسش، آنچه برای ایشان مهم است فقط وجود است؟

وجود چه ارتباطی با ما انسان‌ها دارد که از آن پرسش می‌کنیم؟ حداقل این سؤال بی‌وجه نمی‌تواند باشد که بپرسیم پرسش از وجود چه وجهی برای ایشان دارد؟ همین که پرسش از وجه آن پرسش کنیم، مانند آن است که می‌گوییم این پرسش از وجود نمی‌تواند رأساً سوال انسان باشد، بلکه به واسطه‌ی جهت و به خاطر امر دیگری است که انسان پرسش از وجود می‌کند.

دشمن، هم مشکلات را مطرح می‌کند، هم صورت مسئله را مطرح می‌کند، هم به اصطلاح علاج و نتیجه‌گیری را مطرح می‌کند.

شما صورت مسئله‌تان هم با او باید فرق داشته باشد، نتیجه‌گیری‌تان هم با او باید به کلی فرق داشته باشد، چون او دشمن است دیگر، او مُعرض است، از روی خیرخواهی انجام نمیدهد کار را.

دانشگاهی و دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل در دست اینها باید حل بشود. اینها قوه متفکره یک ملت هستند.



## فلسفه برای جهانی آگاه؛

انجمن علمی فلسفه چرا باید فلسفه را گرامی بداریم؟

واضح است. تا قبل از تالس ملطی، پارمنیدس، هراکلیتوس، سقراط، افلاطون و ارسطو چه طرز تلقی و نگرشی بر جهان و جهانیان حاکم بود؟ مگر چیزی جز آن بود که نگاه به مفاهیم عمیق مانند جهان، انسان، خالق، طبیعت، امور اجتماعی و... همه در افسانه، اساطیر، شعر و خرافات و تقلید منحصر شده بود؟ و در این تاریکی جهالت حتی شک و تردید را مطرود می‌دانستند! فلسفه ابتدا با گفتگو و هم‌سخنی و هم‌کنشی آغاز شد و با خود، «تردید و پرسیدن» را به ارمغان آورد تا با آن‌ها پوسته‌های جبریت شکافته شوند و به عمق ریشه‌ها نفوذ کنیم و به چیزهای نو و افق‌های نوین بیان‌دیشیم.

بنابراین گرامی داشت فلسفه، به توجه نسبت به تجربه ناب تغییر دیدگاه و دگرگونی نوع نگرش آدم برمی‌گردد؛ چرا که این تغییرات، گرانباز از معنا بود.



در همین راستا برای مواجهه با این چالش‌ها و آشفتگی‌های عصر حاضر، «مشاوره فلسفی» به صورت مدون مشخص در دنیا گسترده شد.

مشاوره فلسفی پدیده‌ای است که فرد در جلسات آن به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌هایی است که امروزه دیگر به سختی می‌تواند آن‌ها را با کمک منابع سنتی‌ای همچون فرهنگ پاسخ داد و امید او نسب به اینکه روانشناسی و روان‌درمانی نیز پاسخی برای این پرسش‌ها داشته باشند، ناکام شده است. او با این واقعیت روبروست که باید شخصاً به پاسخ‌هایی برای مهم‌ترین پرسش‌های زندگی برسد و بتواند چشم اندازی شخصی از معنا، لذت، رنج و... را برای خود تصویر کند.

مشاور در این جلسات ضمن گفتگو با مراجع، می‌کوشد جهان بینی او را صورت بندی کند، تعارضات این جهان بینی را به او نشان دهد، به او در تحلیل مفاهیم مهم مرتبط با زندگی کمک کند، پرسش‌هایش را وضوح و صراحت بیشتری ببخشد، او را با روایت‌ها و پاسخ‌های مختلف فیلسوفان به پرسش‌های مهم زندگی آشنا کند و در نهایت امکان جستجو در میان این پاسخ‌ها را برای او فراهم سازد.

در همین زمینه نشست با عنوان «مشاوره فلسفی» با حضور ارزشمند سرکار خانم دکتر فخار به همت انجمن علمی فلسفه برگزار شد.

تلاش و رویکرد انجمن علمی فلسفه بر این است که به مدد کنشگری فعال دانشجو، گامی مهم در تحقق رسالت علم فلسفه در عرصه زندگی شخصی افراد و در سطح جامعه بردارد، و کاربردی و موثر بودن فلسفه را در تمام ابعاد و لایه های زندگی

این پرسش‌های مربوط به هدف زندگی و حیات و مرگ، از این رو است که انسان علاقه‌مند است تا هدف و غایت واقعی خود را در جهان بشناسد؛ اما اگر در طرح این قبیل پرسش‌ها زیاده‌روی شود و پاسخی متقن به اقتضای آن‌ها داده نشود، محتمل است که جرثومه‌های شک و تردید نسبت به غایت و هدفمندی حیات در زندگی‌مان ریشه بیاورند و افسردگی فلسفی را برایمان به ارمغان بیاورد.

در این نوع افسردگی و پریشانی فرد موضوع مهم یعنی مرگ، جدایی، آزادی و پوچی را به هم مربوط می‌کند که در نهایت منجر می‌شود او به واکاوی دلیل زندگی بپردازد و با خود بگوید اصلاً برای چه زندگی کنم؟ زندگی چه معنایی دارد؟ زنده بودن من به چه دردم می‌خورد؟ و...

مدعای اهمیت این مسئله در یک کنگره جهانی فلسفه که در دهه‌ی گذشته برگزار شد، به چشم می‌خورد. فلاسفه شرقی و غربی و الحادی و الهی همه با هم جمع شدند و بعد از چند روز گفتگو و مباحثه پیرامون مسائل فلسفه، نیازها، کاربردها و... یک بیانیه‌ی پایانی دادند که باید مورد تایید تمامی فلاسفه‌ی حاضر واقع می‌شد؛ اما چه نگاهی به فلسفه توانایی این را دارد که جامعه‌ای از فیلسوف‌های صاحب نظر با دیدگاه‌های متفاوت را بر سر یک توافق بنشانند؟

یک قسمت از بیانیه، بدین شرح بود:

ماموریت فلسفه برای زندگی آینده‌ی بشریت، مبارزه با خودکشی و افسردگی است...

افسردگی به‌عنوان بیماری قرن آینده مطرح و براساس آن خودکشی‌ها شکل می‌گیرد و در این بحران معنای زندگی، یکی از وظایف و ماموریت‌های فلسفه درمان و مقابله با خودکشی و افسردگی به شمار می‌آید.

شاید بتوان گفت فلاسفه پرسش از معنای حیات و کیستی انسان را در پرسش از وجود پیگیری می‌کنند و اساسی‌ترین پرسش برای ایشان پرسش از کیستی خویشتن و جایگاهش در این عالم وجود است. حتی وقتی که انسان پرسش‌هایی از این دست می‌پرسد: «آیا خدا هست یا نه؟ آیا پس از مرگ نیست خواهیم شد یا زندگی دیگری در کار خواهد بود؟ آیا موجوداتی ورای این عالم ماده وجود دارند؟» و سؤال‌هایی شبیه به این، در واقع همچنان از کیستی خویش پرسش می‌کند.

فیلسوفی معاصر مسئله اصلی انسان را این می‌داند که «چه باید بکنم؟» یا «چه بکنم؟»، اما باز پرسش چه باید بکنم پرسش فی‌نفسه نیست، بلکه یک نشانه برای پرسشی بنیادین و جلوه‌ای از کاربرد فلسفه است. در واقع هنگامی که من می‌پرسم چه باید بکنم، در جست‌وجوی این هستم که بدانم چه عملی صواب و اولویت دارد و کدام عمل ناصواب یا بدون اولویت است. صواب بودن یا نبودن یک عمل یا اولویت داشتن یا نداشتن یک عمل در نسبت با کیستی صاحب عمل مشخص می‌شود، یعنی صورت اصلی و نهان‌شده پرسش او این است که چه عملی مقتضای وجود خاص من و شایسته من است و چه عملی برای من ناشایست است. این پرسش اساساً هنگامی طرح می‌شود و امکان طرح می‌یابد که انسان خودش را نشناسد و الا اگر حد خود و اقتضای ذات خود را بشناسد، چنین پرسشی را طرح نخواهد کرد، بلکه مشغول عمل خواهد شد.

در واقع ما با این پرسش، از کیستی خودمان پرسش می‌کنیم؛ و واقعیت این است که اگر بدانم که چه هستم بالطبع می‌دانم که چه باید بکنم؛ و چه باید بکنم پرسش من نخواهد بود.

آیا تا به حال پیش آمده که از خود بپرسید چرا به دنیا آمدید و هدف زندگی شما چیست؟

## آن سوی اغتشاش ...

**زهر تبادکانی** انجمن علمی روانشناسی

روانشناسان رفتارگرایی اعتراضات خیابانی را چگونه تحلیل می کنند؟

آیا در اعتراضات خیابانی مردم صرفاً بدون فکر و هیجانی عمل می کنند؟!؟

رسانه به تنهایی می تواند اعتراضات را هدایت و شکل دهی کند؟

اعتراض و ناآرامی های خیابانی در وهله اول ما را به هیجان می آورند، سردرگم می کنند و پس از گذشت مدتی ما را به تحلیل وادار می کند.

بعد از گذشت مدتی از این اتفاقات افراد می خواهند بدانند علت چیست؟

چرا اعتراض های مسالمت آمیز به اغتشاش و خشونت تبدیل می شود؟

آیا افراد معترض در این هنگام، قدرت تفکر خود را از دست می دهند و فقط هیجانی رفتار می کنند؟

با یک بررسی چند ساعته می توان فهمید اکثر اعتراضات خیابانی در سرتاسر جهان با یک جرقه خیلی کوچک شروع شده؛ عواملی به این جریان دامن زده و آن را به شورش های بزرگ خیابانی یا حتی بحران های اجتماعی تبدیل می کند. این نکته به درستی وجود دارد که یک اعتراض و یا اغتشاش بدون دلیل قبلی اتفاق نمی افتد و حتما پیشینه ای پنهان دارد که در این مواقع سر باز می کند و خود را فراتر از آنچه هست نشان می دهد. اما نباید از این نکته غافل شد که رسانه در این ماجرا گرداننده موثری است.

روانشناسان رفتارگرا محیط را از مهم ترین

عوامل تاثیرگذار بر رفتار آدمی می دانند و معتقدند می توان با شرطی سازی رفتار افراد به آنها شکل داد. ما برای رسیدن به یک هدف مشخص که به عنوان مثال «هر چه بیشتر شدن شلوغی های خیابانی و افزایش انگیزه و نفرت مردم» است می توانیم به خوبی از رسانه کمک بگیریم.

نظریه شرطی سازی پاسخگر می گوید ما می توانیم با شرطی سازی، رفتارهای بازتابی افراد را کنترل کنیم؛ این مثال را در نظر بگیرید:

ابتدا یک محرک غیر شرطی مثل یک تصویر دلخراش از درگیری در فضای مجازی ارائه می شود و واکنش طبیعی هر فرد به محرک، نفرت از عصبانیت و ناراحتی است. وقتی یک محرک خنثی مثل حضور یک نیروی پلیس را به دفعات با این صحنه دلخراش همراه کنیم پس از مدتی ذهن افراد در واکنش به محرک شرطی یعنی نیروی انتظامی پاسخ شرطی می دهد. یعنی دیدن پلیس در هر جایی منجر به عصبانیت و نفرت می شود.

نظریه دیگری که رفتارگرایان به آن معتقدند نظریه شرطی سازی وسیله ای است. مهم ترین قانون این نظریه، قانون اثر است. طبق این قانون، محرک رفتاری که نتیجه مطلوبی داشته باشد تکرار می شود و از محرک رفتاری که نتیجه نامطلوبی داشته باشد اجتناب می شود. در این حین وقتی فرد رفتاری انجام می دهد که از سمت جامعه یا رسانه های مختلف پاداش ببیند، آن رفتار را تکرار می کند.

مثلاً وقتی یک استوری در فضای مجازی منتشر کند و بازخورد مطلوبی دریافت کند

آن را تکرار می کند اما اگر فعالیتی داشته باشد واکنش های منفی دریافت کند یا مثلاً صفحه اینستاگرام ریپورت شود احتمال انجام دادن آن کار در این فرد کاهش می یابد.

در تکمیل این نظریه، نظریه دیگری وجود دارد که معتقد است رفتار کنشگر از سوی ارگانسیم کنترل می شود و شکل پیدا می کند. یعنی فرد در ازای دریافت چیزی که خواستار آن است، رفتار مشخصی از خود نشان می دهد؛ مثل فردی که در ازای گرفتن پول، حاضر به حضور در جمعیت، هدایت و رهبری آن می شود، یا اینکه فرد می تواند در ازای رهایی از چیزی که از آن بیزار دارد، رفتاری انجام دهد. مثلاً فردی که دوست ندارد در شبکه های اجتماعی منفور شود، اعمالی انجام می دهد که از سمت کاربران مورد هجوم قرار نگیرد.

همچنین ترک یک رفتار از سوی فرد نیز می تواند در نتیجه شرطی سازی صورت بگیرد. مثلاً یک مامور نیروی انتظامی می تواند در ازای به دست آوردن شهرت در فضای مجازی از انجام وظیفه خود در مقابله با اغتشاشات سر باز زدند. به این صورت ارگانسیم با کنترل رفتار او از سوی چیزی که خواستار آن است نقش خود را ایفا می کند.

مسئله ای که می توان گفت تمام رفتارها در این اعتراضات، هدایت شده و عامدانه ایجاد شده اند اما این نکته قابل توجه و اثبات است که هدایت رفتار افراد توسط عوامل

مختلف بخصوص از سمت رسانه، نقش بسیار زیادی در کنترل افزایش یا کاهش این قبیل شورش ها دارد.



## ایستگاه بعد ...

### اندیشه

مترو در آزادی می‌ایستد.

لشکر فرشتگان در گوشم می‌خواند و

تورق میکنم مطالب جلسه قبل کلاس را.

روی صندلی کنارم دختر نوجوانی نشسته است؛

نگاهم روی دستانش می‌ماند؛

زخم دارد؛

نمی‌دانم، شاید حاصل ضربات به دیوار باشد.

ناخودآگاه پا می‌گذارم در جهان او؛

شاید این شب‌های آشوب شهر را در خیابان بوده و مشغول

شعار دادن!

شاید افکارمان هزاران فرسنگ فاصله داشته باشد از یکدیگر.

کنار هم نشسته‌ایم و بازوهایمان کمی به هم متصل است؛

بازوها؛ قدرت‌ها.

اگر تفکرات هم در کنار هم بیایند چه زیبا می‌شود حال کشورم!

این روزها نیاز داریم به بیان منطقی اندیشه‌ها

به اینکه کمی یکدیگر را در آغوش بکشیم؛

کمی به هم محبت کنیم؛

کمی تب فاصله را از تن این جامعه بگیریم.

این روزها عجیب نیازمندیم به تبیین، به تبیین، به تبیین!

چقدر دوست دارم خواهرم که کنارم نشسته را به آغوش کشم...

اما

قطار می‌ایستد و من از همان برخورد کم میان بازوان با

هم‌وطنم «جان» می‌کنم و پیاده می‌شوم.





# جای خالی ات با هیچ چیز پر نمی شود!

## نجمه غضنفری

—مریم! می دونستی امروز یه روز خیلی مهمه تو کشور؟

—آها این روز کتاب رو میگی؟ تو همه جای دانشگاه هم پوسترش رو زدن! واقعا دیگه شورش رو درآوردن! بابا دیگه کتاب و کتاب خوندن دمه شده! کی دیگه میره سمت کتاب؟

—آره منظورم روز کتاب و کتابخوانی بود. درمورد همین می خوام باهات حرف بزنم. الان که زیاد وقت داریم تا استاد بیاد. واقعا برام جای سواله که چرا فکر می کنی که کتاب قدیمی شده!

—بابا کتاب مال ۳۰ سال پیشه. واقعا نمی بینی تکنولوژی وارد زندگی روزمره مردم شده؟ این روزا آدم می تونه خیلی چیزا رو از شبکه های اجتماعی و فضای مجازی یاد بگیره؛ دیگه نیازی به کتاب حس نمیشه!

—خب شبکه های مجازی اومده باشه؛ چه ربطی داره؟ کتاب از اون چیزهاییه که هیچ وقت قدیمی نمیشه! اصلا بعضی چیزا با اینکه قدیمی هستن نکات مفیدی رو به آدم یاد میدن که تو جاهای دیگه همیشه اینا رو پیدا کرد. پس چرا کتاب رو کنار بذاریم؟! اصلا همین شبکه های اجتماعی ای که میگی؛ اطلاعاتی که اینا بهت میدن مطمئن تر و مفیدتره یا اطلاعاتی که از کتاب بدست میاری؟

—حرف تو درست، ولی من واقعا هر وقت کتاب می گیرم دستم خوابم میگیره! برای همین ترجیح میدم که برم سراغ گوشی. گوشی هم جذاب تره و هم کار قرص خواب آور رو انجام نمیده!

—اینم دو تا راه حل داره؛ یکی اینکه تازگی ها برای شما که باکلاسی و اهل کاغذ نیستی، کتاب های الکترونیکی و صوتی اومده. البته که مزه خوندن کتاب کاغذی رو نمیده ولی بازم برای بعضی از افراد و در بعضی جاها خوبه.

و راه حل دوم؛ برای اینکه خوابت نبره باید مطالعه آگاهانه داشته باشی.

—یعنی چی مطالعه آگاهانه؟

—یعنی بدونی که الان با چه هدفی داری این کتاب رو می خونی. حتی اگه هدفت از خوندن یک کتاب، خوشگذرونی و لذت بردن باشه، باز هم هدفت رو بدون و دیگه اینکه یا یک جا بنویس یا با

خودت مرور کن که چه چیزهایی داری از این کتاب یاد می گیری و خیلی سوال های دیگه.

—میدونی حالا اگه بهمون ثابت هم بشه که کتاب خوندن خوبه، تو این روزهای پر مشغله و با این درس های سنگین، وقت کتاب خوندن نداریم!

—مریم اگه بشینی با خودت فکر کنی و کارهایی که در روز انجام میدی رو با خودت مرور کنی، صددرصد یه زمان هایی هست که کار مفید انجام نمیدی و وقتت داری بیهوده تلف میشه! از همین وقت های پرتت برای کتاب خوندن استفاده کن؛ توی اتوبوس، مترو، وقتی بین فیلم و سریال های تلویزیونی پیام بازرگانی پخش میشه؛ چرا تو این فرصت ها بیکار بشینی؟ یک کار مفید انجام بده!

حالا جدای از تمام این صحبت ها؛ به نظرت به دست آوردن اطلاعات و افزایش آگاهی، یکی از کارهای اصلی تو که دانشجویی نیست؟

—خب چرا، هست. ولی واقعا بعضی وقتا حوصله اش نیامد که بری سمتش!

—بابا لازم نیست که حتما از همین اول با کتاب های عقیدتی و سیاسی سنگین شروع کنی! از کتابی که دوست داری شروع کن. مثلا رمان؛ هم لذت داره. هم مفیده و هم اینکه به نظرم تو علاقه داری به این ژانر. هیچ وقت کتاب خوندن رو نذار کنار؛ کتاب هایی پیدا کن که به موضوعش علاقه داشته باشی.

—خوب بود حرفات؛ تا حدی قانع شدم.

—ولی واقعا تو که انقلابی هستی؛ رهبر، تو خیلی از حرف هاشون به مطالعه اشاره کردن؛ یکی صحبت هاشون برای خودم هم خیلی جالب بود. می گفتن «من اگر بدانم هر روز یک ساعت باید حرف بزنم و نتیجه اش این باشد که مردم کتابخوان بشوند، حاضرم روزی یک ساعت و نیم حرف بزنم» پس بدون که خیلی مهمه.

—یه چیزی به ذهنم رسید؛ من تازه می خوام کتابخوانی رو شروع کنم، نظرت چیه برای اینکه تو کتابخوانی راه بیفتم، قرار بذاریم که با همدیگه روزی ده دقیقه کتاب بخونیم؟

—حتما. خیلی خوشحال میشم.

—پس بریم تو کارش؟ — بریم!



## قانون! واژه غریب و آشنای این روزهای ما...

حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در قوانین اساسی کشورها در آن بحث می‌شود، مربوط به شکل حکومت و قوای حکومتی یعنی قوای سه‌گانه است. طرز کار، وظایف این قوا و ارتباط آنها، مردم و آزادی‌های مشروع شهروندان نیز از دیگر موضوعات این قانون است.

به دلیل اینکه بازنگری قانون اساسی پیچیدگی خاصی دارد، بحث‌های کلی و کلان مربوط به حکومت که نمی‌خواهند دستخوش تغییراتی شود را در قانون اساسی ایران در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته و حقوق همه افراد ملت را تضمین نموده است. آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل جمعیت‌ها و راهپیمایی‌ها، آزادی شغل و... از جمله حقوق مردم است.

- قانون اساسی ایران، پیش از انقلاب و پس از آن.

در برخی منابع ذکر شده در دوران ناصرالدین شاه سه بار قانون اساسی نگاشته شده است! قانون اساسی مشروطه در هشتم دی‌ماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی به امضای مظفرالدین شاه رسید، این قانون ۵۱ ماده داشت که عموماً مربوط به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌شد. این قانون بعد از موفقیت مشروطه‌خواهان در گرفتن فرمان مشروطه و با عجله تهیه شده بود و در آن ذکر از حقوق ملت و سایر ترتیبات مربوط به رابطه اختیارات حکومت و حقوق ملت نبود، بنابراین «متمم قانون اساسی» تهیه شد و به تصویب مجلس رسید و محمدعلی‌شاه نیز آن را در

بد نیست در این روزها به ۴۳ سال قبل سری بزنیم؛ روز ۱۲ آذر ۱۳۵۸، تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران... پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران شد، بحث درباره تعیین قانون اساسی نظام در محافل مختلف گسترش یافت و قانون اساسی ایران تهیه شد.

- قانون اساسی اصلاً چی هست!؟

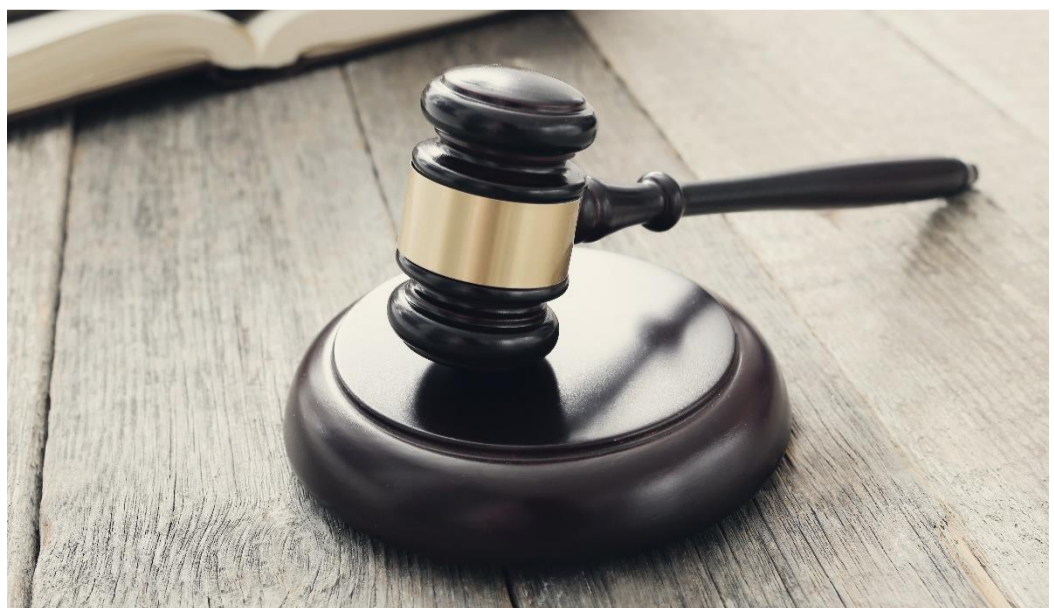
قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور است. همچنین قانون اساسی تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی «قانون تعیین‌کننده نظام حاکم» است، قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت‌هایی در برابر ملت دارند. علاوه بر این، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور، اصول

ریحانه کهنسال انجمن علمی فقه و حقوق

### روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با کمی دقت در این روزگار پرهیاهوی وطن آنچه واضح است این است که در نگاه کلی، هرج و مرج در هر جامعه‌ای یک ریشه مشترک دارد؛ بی قانونی... آنچه آسیب‌هایش باعث شده بارها حتی از سوی مکاتب فکری مختلف شنیده باشیم «قانون بد بهتر از بی قانونی است!» معمولاً بی قانونی ناشی از نبود قانون، عدم آگاهی از قانون، و یا نافرمانی عامدانه از قانون است.

چندی پیش بود که یکی از سلبریتی‌های مشهور کشور، با ادعاهایی عجیب، مواد قانونی خیالی را به تصویر کشید که طبق آن باید احتمالاً تا امروز ارتش بسیاری از کشورها کودتا کرده بودند و حکومت‌ها تن به فراندم خود میدادند! نمیدانیم این ادعا را باید به پای ناآگاهی گذاشت یا تعمد! اما نکته دردآور ماجرا انتشار گسترده این ادعا توسط برخی مردم و طرفداران سلبریتی مذکور بود که نشان از چند درد بزرگ‌تر است: اولاً کمبود شدید «فکت چکر»‌ها در نبرد نابرابر با «فیک‌نیوز»‌ها، دوماً اینکه این ناآگاهی در حیطه «قانون» است! قانونی که هر شهروند معمولی حدودی از بدیهیات آن را باید در سبد سواد خود داشته باشد.





۱۴ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی (۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری) امضا کرد. پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان برخی از مواد این قانون تغییر کرد. این قانون و متمم آن تا سال ۱۳۵۷ که حکومت پادشاهی در ایران بر سر کار بود، قانون اساسی ایران ماند.

در زمستان ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایده تدوین قانون اساسی توسط امام خمینی (ره) و یارانشان در پاریس مطرح شد و در همان جا پیش‌نویس اولیه قانون اساسی تهیه شد. بعدها پس از پیروزی انقلاب، این پیش‌نویس توسط افراد و گروه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفت. حسن حبیبی که از سوی امام خمینی مامور تدوین این پیش‌نویس بود، با مشورت و همکاری آقایان ناصر کاتوزیان، عبدالکریم لاهیجی، جعفری لنگرودی، ابوالحسن بنی‌صدر و ناصر میناچی طرح اولیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تهیه کردند. برخی منابع از نقش شهید مرتضی مطهری، یدالله سبحانی و افراد دیگر در تهیه پیش‌نویس نهایی در اسفند ۵۷ گفته‌اند.

پس از تامین نظرات آیت‌الله خمینی در طرح پیش‌نویس قانون اساسی، در حالی که عده‌ای از اعضای شورای انقلاب معتقد بودند این قانون باید روال دموکراتیک خود را طی کند و ابتدا به رای نمایندگان ملت در مجلس گذاشته شود، جمعی دیگر از اعضای این شورا نظیر آقایان طالقانی، بهشتی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی‌کنی، باهنر، علی‌خامنه‌ای، عزت‌الله سبحانی و مصطفی کتیرایی اصرار داشتند که این پیش‌نویس مستقیماً به همه پرسى مردم گذاشته شود.

در ۱۵ بهمن ۵۷، امام خمینی (ره) از جمله وظایف دولت موقت مهدی‌بازرگان را تشکیل مجلس مؤسسان منتخب مردم برای نگارش قانون اساسی اعلام کردند. در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار و اعضای منتخب از

۲۸ مرداد شروع به تدوین قانون اساسی کردند. در ۲۴ آبان ۵۸ کار تدوین به پایان رسید و دو روز بعد (۲۶ آبان ۵۸) در روزنامه کثیرالانتشار کیهان به چاپ رسید. همه‌پرسی قانون اساسی در ۱۱ و ۱۲ آذر برگزار شد و با رأی قریب به اتفاق (بیش از ۹۸ درصد) مردم به تصویب نهایی رسید. سپس قانون اساسی به دستور امام ره در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت و اصلاحاتی در آن اعمال شد.

• ساختار قانون اساسی کنونی شامل چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۷۷ اصل و چهارده فصل است.

نکته: ادعاهای برخی گروه‌های سیاسی مبنی بر امکان تغییر و بازنگری قانون اساسی تا چه حد قابل اعتناست؟

طبق اصل یکصد و هفتاد و هفتم، بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست.

«محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»

اصل یکصد و هفتاد و هفتم به موجب اصلاحاتی که در سال ۱۳۶۸ نسبت به قانون اساسی صورت گرفته، به این قانون الحاق شده است.

برمی‌گردیم به عصر حاضر؛ دنیای شگرف ۱۴۰۱! امروز ارتباط قانون و رسانه مسئله پیچیده‌ای است که شاید ساعت‌ها و روزها بتوان درباره آن گفت و شنید و نوشت و خواند... بماند. اما آنچه شهروندان باید درباره قانون هر کشور بدانند، بیش از این‌هاست و انتظار از جوانان وطن و دانشجویانی که معمار سرنوشت آینده کشورند

بیشتر! اکنون آگاهی از قانون ابزاری است که نه تنها در دنیای آگاهی‌های شخصی هر فرد موثر است، بلکه در نبرد سخت و نابرابر رسانه‌ای نیز به مثابه یک سلاح اجتماعی محسوب می‌شود. خوب است گاهی با یک جستجوی ساده و کمی گسترش اطلاعات، به عملکرد یک «فکت چکر» نزدیک شویم تا شاید در هجمه «فیک نیوز»های امروز، بتوانیم رسالت بزرگ تبیین را در حد اطلاع از چند ماده ساده قانونی و تشریح آن انجام دهیم. یا حتی کمتر از آن؛ حداقل گلیم خودمان را از اقیانوس خارق‌العاده رسانه بیرون بکشیم!

به امید قانون‌دانی، قانون‌طلبی و قانون‌محوری بر مدار بهترین و کامل‌ترین قانون‌ها...





## وحدت حوزه و دانشگاه؛

ریحانه شریعتی

تا به حال از خودتان پرسیدید چرا وحدت حوزه و دانشگاه؟

از سال های اول انقلاب این بحث مطرح بوده و هست. اهمیت این موضوع زمانی روشن می شود که در تقویم رسمی کشور یک روز به آن اختصاص داده شده است؛ ۲۷ آذرماه.

امام خمینی (ره) در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ در قسمتی از سخنرانی خود به اهمیت این موضوع اشاره می کنند: «فرهنگ دانشگاه و مراکز غیر حوزه ای به تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد.»

این نگاه یعنی راهکار برون رفت از دنیای ضد و نقیض مکاتب و نظریات افراد متعدد. این نگاه یعنی «تعادل»؛ تعادل در نگاه به انسان، فرهنگ، جامعه، سیاست، اقتصاد و... یعنی هم عقل و هم تجربه؛ راهکار برون رفت از مشکلات و همچنین باز شدن درهای جدید علم.

حوزه مکان تحصیل در علوم دینی و فلسفی، فهم این علوم و از همه مهم تر رسیدن به توانایی انتقال این علوم است. از طرفی دانشگاه نیز محل کسب علوم تجربی، آزمایش و مشاهده است. هر چند علوم انسانی و فلسفه نیز در دانشگاه ها حضور دارند اما متأسفانه تحت تاثیر جو غالب در دانشگاه ها و علوم مدرن، تا حدودی دستخوش اثرات تجربه و علوم تجربی شده اند.

امروزه خلأ شدید این وحدت حس می شود. هر چند اقداماتی در این زمینه صورت گرفته و مفید نیز واقع شده اما شاید بتوان گفت کافی نیست. هنوز هم علوم انسانی با علوم اسلامی به صورت عالی و به عنوان شاخه ای از علم ترکیب نشده و فقدان آن حس می شود.

علوم انسانی یعنی سروکار داشتن با انسان و انسانیت و مسلمانیت را صرفاً از طریق تجربه و آزمایش نمی توان تبیین کرد. نیاز ما به دستاورد های حوزه در این برهه زمانی بیش از هر دوره دیگری است. وحدت حوزه و دانشگاه و پرداختن جدی به این مسئله در این برهه شاید بتواند دوران علم مدون را به دو قسم تقسیم کند؛ دوران قبل از وحدت حوزه و دانشگاه و دوران بعد از آن. قطعاً این امر میسر نمی شود مگر به همت والا دانشجویان و طلاب این سرزمین.



## خون، به سرخی انار

ف.م

و نم نمک از راه رسید

آخر پاییز را می گویم..

همان بلند ترین شب سال..

امسال.. سرد تر از سال های پیشین..

به خاطر نبود گرمای قهرمانان ایران زمین..

می گویند شمارش جوجه ها در آخر پاییز است اما..

این بار فرق می کند!

به رسم شکستن عادت، این بار

شمارش قهرمانان به عروج رسیده را آغاز می کنیم...

علی لندی..

آرشام سرایه داران..

آرمان علی وردی..

سید روح الله عجمیان..

دانیال رضازاده..

حسین زینالزاده..





## دانشگاه مان در سطح کشوری؛

یاسمن امیرزاده

این رسانه متعلق به هیچ گونه حزب، گروه یا فرد خاصی نیست و پیروی از آرمان والا انقلاب اسلامی را سرلوحه کار خویش قرار داده است.

این رسانه توسط خود دانشجویان اداره می شود و همین مسئله باعث شده تا دانشجویان شجاعت پرداختن به مسائل را بدون هیچ واهمه از سانسور، در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

این سایت دارای بخش های گوناگونی همچون دانشگاه ها، استان ها، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی، عکس، فیلم، برنامه ها و سایر رسانه ها مانند: نشریه، روزنامه، طنز، وب سایت و سایر بخش ها است؛ همچنین امکان استفاده از جلسات سخنرانی و سخنران مدعو در هیات دانشگاهی، مناظره های دانشجویی به صورت پخش زنده (Live) توسط خود دانشگاه مجری برنامه، از امکانات دیگر این سایت مخصوص دانشجویان فعال می باشد.

چنانچه قصد دارید دانشگاه شهید مطهری (ره) در عرصه کشوری به عنوان دانشگاهی فعال و انقلابی در عرصه فوق مطرح گردد، سایت دانشجو [www.snn.ir](http://www.snn.ir) فرصتی ویژه، آسان و استثنایی در مسیر شما دانشجویان دغدغه مند، فعال و انقلابی می باشد.

آیا تاکنون به این فکر کردید که چگونه می توانید دانشگاه شهید مطهری ره را به عنوان یک دانشگاه فعال انقلابی در سطح کشوری معرفی کنید؟

آیا راهکاری علاوه بر پخش کردن اطلاعیه جذب دانشجو توسط دانشگاه شهید مطهری (ره) مشهد در ایام انتخاب رشته کنکور وجود دارد؟

آیا راهکاری وجود دارد که بدون نیاز به صرف زمان زیاد و هزینه بالا، تأثیرگذاری قابل توجهی در سطح کشور داشته باشد؟  
با ما همراه باشید...

در سال ۱۳۸۲ «خبرگزاری دانشجو» به عنوان «شبکه خبر دانشجو» توسط سازمان بسیج دانشجویی تحت نظارت جناب آقای هادی قاسمی تاسیس شد و در سال ۱۳۹۲ با اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به فعالیت خود ادامه داد.

هدف و رسالت سایت دانشجو، شنیده شدن صدای دانشجویان ایران زمین و انقلابی و مطالبه گری آنان در عرصه ها و تشکل های مختلف است.

نشریه آوای مطهر

فصلنامه پاییز / آذر ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دانشگاه شهید مطهری واحد خواهران مشهد

سردبیر: فاطمه کریمی

طراح: زینب صاحبی

پل ارتباطی: مشهد، خیابان هفده شهریور، هفده شهریور جنوبی ۲/۵

سایت اینترنتی: [www.motahari-um.ir](http://www.motahari-um.ir)

ایمیل: [avayemotahhar.journal@gmail.com](mailto:avayemotahhar.journal@gmail.com)